خبر

آثار ملاقلی‌پور و حاتمی‌کیا ضدجنگ هستند

نخستین برنامه «سینما پرتره» عصر سه‌شنبه با حضور اکبر نبوی، منتقد، نویسنده و پژوهشگر سینما با تحلیل «سیر اندیشه سینمایی رسول ملاقلی‌پور» و نمایش فیلم سینمایی «پرواز در شب» در ساختمان شماره ۳ بنیاد سینمایی فارابی برگزار شد. اکبر نبوی در این نشست با بیان این‌که ملاقلی‌پور به‌معنای درست کلمه هنرمند بود، گفت: رسول ملاقلی‌پور و ابراهیم حاتمی‌کیا عارف نیستند اما هنرمند هستند و جهانی فراتر از جهان ماده را می‌بینند و این تفاوت هنرمند با دیگران است. در فیلم‌های ملاقلی‌پور شاهد یک نگاه ضدجنگ هستیم، وقتی به فیلم‌های او طی ۲۵ سال نگاه می‌کنیم اشاره‌ای به خشونت ویرانگر جنگ و از طرفی نگاه انسانی در فیلم‌هایش دارد. او از دید یک انسان‌دوست به جنگ نگاه می‌کرد. تمام آثار رسول ملاقلی‌پور و ابراهیم حاتمی‌کیا ضدجنگ هستند. بدون استثنا تمام فیلم‌های خوب دفاع‌مقدس ما، تمام اشعار مربوط به دفاع مقدس، تمام آثار هنری و کتاب‌های ما که به دفاع‌مقدس پرداخته است، ضدجنگ است. هرملتی که دفاع می‌کند، کار ضدجنگ انجام داده است. جنگ آمده که زندگی مردم را مختل کند، ناموس هستی مبتنی بر صلح است و جنگ خلاف ناموس هستی است، به همین دلیل هیچ انسان موحدی جنگ را تقدیس نمی‌کند./ جام‌جم

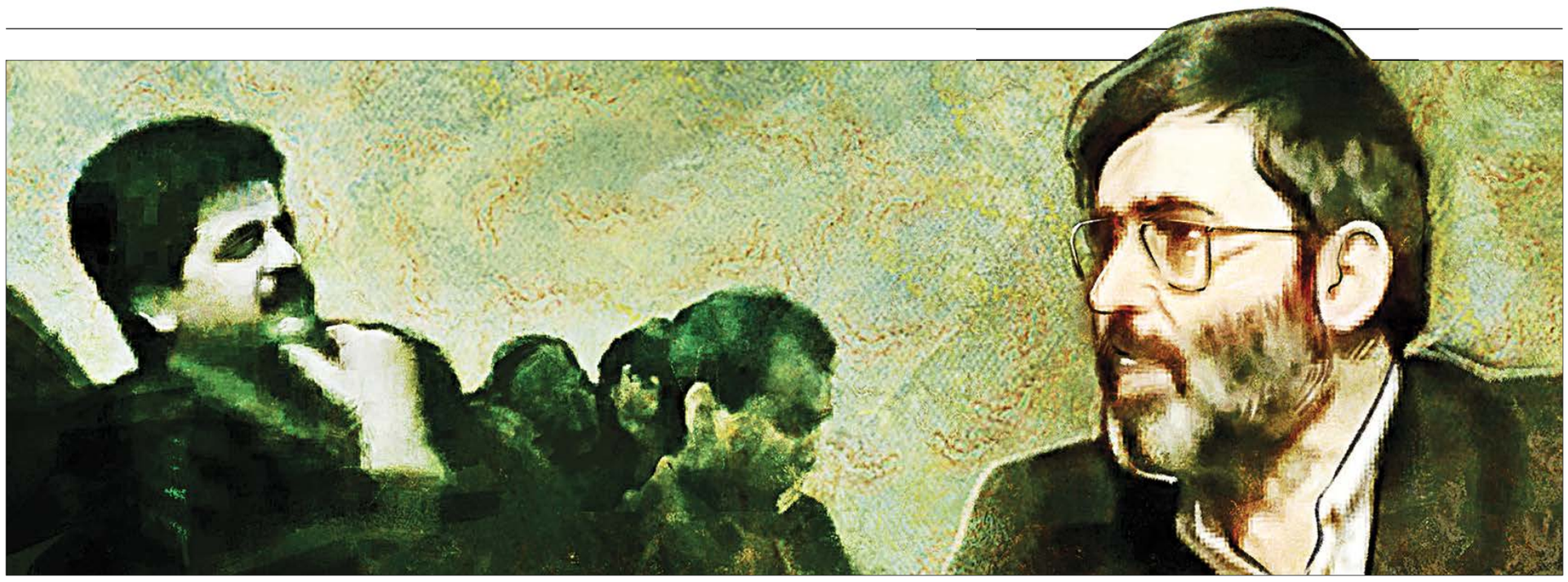

نکاتی درباره یک ویدئوی پربازدید از مواجهه جعفر پناهی با شهید آوینی

بی‌سوادی؛ از سوال پرت تا موج‌سواری

سعید مستغاثی
مستندساز و کارشناس سینما

این روزها در فضای مجازی، ویدئویی دست به دست می‌شود که در آن گفت‌وگویی میان دو چهره مشهور در حاشیه سمینار بررسی سینمای پس از انقلاب در سال ۱۳۷۰ درگرفته است. یکی از این چهره‌ها، بعدا در مناطق مرزی کشور در شلمچه در حین فیلمبرداری یک فیلم مستند روی مین رفت و شهید شد و دیگری این روزها به دلیل جرایم امنیتی در زندان است، یکی مرتضی آوینی بود و دیگری جعفر پناهی که البته آن روزها هنوز اسمی نداشت و شناخته شده نبود. یادداشتی که می‌خوانید تحلیل سعید مستغاثی، منتقد و کارشناس سینمایی شناخته شده کشور است که درباره این ویدئو و زمینه‌های بروز این گفت‌وگوی دوطرفه و سرانجام افراد حاضر در این ویدئوست.

آنچه در این ویدئو رویت می‌شود، سوال یکی از حاضران (که بعدها با نام جعفر پناهی مدعی فیلمسازی در این سرزمین شد) از شهید سیدمرتضی آوینی است در جلسه‌ای که تحت عنوان «سمینار بررسی سینمای پس از انقلاب»، پس از دهمین جشنواره فیلم فجر در بهمن ۱۳۷۰ در دانشکده سینما و تئاتر برگزار شد. سمیناری که تقریبا همه مدعیان سینمای شبه روشنفکری و اخلاف موج نو اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ سیدمرتضی آوینی را به قول خودش به «محاکمه» کشاندند. مطالب آن جلسه بعدا توسط خود شهید سیدمرتضی جمع‌آوری و ویرایش شد و در شماره سوم فصلنامه سوره در بهار ۱۳۷۱ منتشر گردید و بعدا هم در جلد دوم مجموعه «آینه جادو» بازنشر پیدا کرد.

خود آوینی، بخشی از فضای آن سمینار بهمن ۱۳۷۰ را این‌گونه شرح داده: «...جماعت، عجیب برآشفته بودند و دیگر حتی رعایت پرستیژ را هم که از اهم واجبات آداب روشنفکری است، نمی‌کردند. توی سوالات یکدیگر می‌دویدند و اجازه حرف زدن به من نمی‌دادند. اول، خانم نجم (مجری جلسه) خودش هم به جانب مخالفان سخنان من غلتیده بود اما بعد که برآشفتگی و پرخاشگری آنان را دید، آهسته گفت « عجب دیکتاتورهایی شده‌اند. » در میان یادداشت‌هایی که برای من می‌رسید کار به فحاشی هم کشیده بود و خانم نجم از خواندن بعضی یادداشت‌ها که حاوی فحش بود، خودداری می‌کرد. گفتم:« باور کنید! من قصد توهین نداشتم، این شما هستید که به شنیدن حرف‌های خلاف تصور غالبی که در باب سینما وجود دارد، عادت ندارید. شما برآشفته‌اید که چرا کسی خلاف عرف معمول شما سخن گفته است و می‌انگارید که مورد توهین واقع شده‌اید.» و هنوز سخت در این فکر بودم که این جماعت سیاستگذاران سینمای ایران با کمک استادان دانشکده‌ها و منتقدان مجله فیلم و برنامه‌های تلویزیون و ... با اتکا به تئوری مولف و جشنواره‌های اروپایی، عجب ماری کشیده‌اند که دیگر به دانشجویان سینما نمی‌توان فهماند که «مار» را واقعا چطور می‌نویسند و چاره‌ای هم نیست چرا که هرچه با سطحی‌نگری و ظاهرگرایی عقل متعارف غرب‌زده نزدیکتر باشد، آسان‌تر مورد قبول واقع می‌شود...» در آن سمینار شهید آوینی درباره بسیاری از عقاید و باورهایش، بی‌پرده و صریح و با ذکر مصادیق سخن گفت؛ از تعریف سینما و مخاطب گرفته تا عرفان و جریان سینمای روشنفکری، سینمای ملی و سینمای هنری و موج نو، دانشکده‌های هنری و نگرش‌های هنری، پس‌زمینه‌های جریان‌های فکری معاصر و سنت روشنفکری و غرب‌زدگی و عرفان‌زدگی و ... و بسیاری از مسائل مبتلابه جامعه فرهنگی و هنری و فکری آن روزگار که گویا برای همین امروز گفته شده است.

یک سوال بی‌ربط!

اما در حالی‌که شهید سید مرتضی در حال توضیح تبارشناختی و ساختاری مابین فیلم و سینمای استاندارد و حرفه‌ای با آثار مدعی سینما بود و در میان آن همه سوال‌های شداد و غلاظ، فاجعه‌بارترین پرسش را همان جعفر پناهیِ ناشناس آن روزگار پرسید که چرا باید مخاطب سینما را در میان چند فیلم خاص مثل «دیده‌بان» و «مهاجر» (که به قول او مورد استقبال هم قرار نمی‌گیرند) محدود کرد و چرا نباید مخاطبان را برای انتخاب فیلم‌های مختلف، آزاد بگذارند!

این درحالی بود که سید مرتضی در طول آن سمینار، اصلا با ساخت فیلم‌های مختلف با سلیقه‌های گوناگون ابراز مخالفتی نکرده و اساسا بحثش در آن مورد نبود. همه حرف و کلام سید مرتضی را بحث سینما و ضد سینما بودن همان فیلم‌های مدعی تشکیل می‌داد نه ساخت و نمایش یا تولید نکردن و اکران آنها! اما سوال بی‌ربط جعفرپناهی نشان‌دهنده آن بود که وی یا تازه وارد جلسه شده و از صحبت‌های دیگربی اطلاع است (که ناگهان در میان آن بحث‌های داغ سینما و ضد سینما، چنان سوال پرتی را پرانده) یا واقعا فهم و سوادش در همان حد عوامانه بوده که آنچنان نگران اکران نشدن به قول خودش فیلم‌های «بزن و بکوب و برقص» گردیده!

اما به قول نیمایوشیج، در تاریخ «آن که غربال در دست دارد از پس کاروان می‌آید»! تاریخ در سال‌های بعد نشان داد که آن سوال پَرت چندان هم بی‌ربط پرانده نشده بود و انگار بازنمایی آینده‌ای پر قیل و قال اما تهی و توخالی بود. چنانچه همین فرد با سماجت و پررویی شدید و به قولی سریش بازی افراطی، بنا به روایت‌های مکرر، آنقدر مقابل خانه مرحوم کیارستمی نشست که تا آن مرحوم او را به‌عنوان یک بازیگر حاشیه‌ای فیلم «زیر درختان زیتون» همراه برد و باز آنقدر کلافه‌اش کرد که برای خلاصی از او، فیلمنامه «بادکنک سفید» را به او سپرد تا نعل به نعل آثار او را تقلید کرده و با پول و هزینه بیت‌المال از طریق شبکه دوی سیما، «خانه دوست کجاست ۲» را بسازد!

صاحب صندلی خالی!

پناهی خیلی زود از کیارستمی جدا شد، چون آن مرحوم سبک و سیاق وی را خصوصا در جنجال‌آفرینی به جای سینما نمی‌پسندید و این را در نامه‌ای که بعد از همکاری پناهی با فتنه‌گران ۸۸ نوشت مورد اشاره قرار داد که« مدافع شیوه‌های تند و جنجالی جعفر پناهی» نیست. در واقع آنچه در آثار پناهی به جای فیلم و سینما هویدا شد، همین جنجال‌ها بود و موجب شد جشنواره‌هایی که به گواه تاریخچه‌شان همواره دنبال همین‌گونه جنجال‌ها علیه مخالفان ایدئولوژیک اربابان خود بوده‌اند، پناهی بدون مخاطب برای فیلم‌هایش خیلی بیشتر از آنچه شایسته‌اش بود، تحویل گرفته، او را راه به راه پذیرفتند، چپ و راست جایزه دادند و حتی صندلی خالی برای جایزه و داوری ابدیش (به گفته تی‌یری فره‌مو) در نظر گرفتند!

و البته در این میان برخی احکام قضایی اجرا نشده (به دلیل حضور فعال در فتنه ۸۸) هم به کمکش آمد تا دکان دو نبشی برای خود باز کرده و سال‌ها نان این دکان دونبش را بخورد! احکامی مثل ۶ سال زندان که حتی یک روزش هم اجرا نشد یا ممنوع‌الکاری که بیش از همه عمرش فیلم ساخت و به جشنواره‌ها فرستاد و جایزه گرفت یا ممنوع‌الخروجی که حتی پس از رایزنی با قوه قضاییه و رفع آن برای حضور در یکی از همین جشنواره‌ها، خودش ترجیح داد ممنوع‌الخروجی خودخواسته‌ای را تجربه کند تا نکند جایزه‌ای از دست بدهد!

کار به‌آنجا رسید که بنا به ضرب‌المثل معروف «آش آنقدر شور شد که حتی خان هم فهمید»، در آخرین جشنواره‌ای که از این دست جوایز به او دادند، گزارشگر و منتقد رادیو فردا متعجب از اعطای جایزه برای یک فیلم بسیار ضعیف به نام «سه رخ»، نوشت که پناهی، نان ممنوع‌الخروجی‌اش را می‌خورد! و اگر در این جشنواره حاضر شده بود، هرگز چنین جایزه‌ای دریافت نمی‌کرد!

براساس همین واقعیات آنچه این ویدئو را پس از ۳۰ سال برجسته می‌سازد، عمق و اهمیت حرف‌های شهید سیدمرتضی آوینی است که گویا همین امروز از بحران سینمای ایران سخن می‌گوید و برای امروز راه‌حل موثر و دقیق ارائه می‌دهد و از طرف دیگر پرسش سبکسرانه و خام‌دستانه فردی است که امروزه فقط توسط تلمبه جشنواره‌هایی باد شده که به‌قول ناصرالدین‌شاه در سریال «سلطان صاحبقران» مرحوم علی حاتمی : «دیگر ریششان هم درآمده» وگرنه دیری است تاریخ مصرفش گذشته است!

خبر روز +

آنچه در این ویدئو می‌بینید:

***جعفرپناهی: شما بحث‌تان این است که تماشاگر را به سینما بکشانید. «دیده‌بان» و «مهاجر» چقدر تماشاگر را به سینما کشاند؟ و در مقابل فیلم‌های دیگر بزن و بکوبی چقدر مردم را به سینما کشاند؟ خب، این فیلم‌ها هم که مردم را به سینما می‌کشانند. این حالتی که فیلم را به مخاطب می‌خورانید، کنار بگذارید. فیلم را به مردم نخورانید و اجازه دهید تماشاگر خودش انتخاب کند که چه فیلمی دلش می‌خواهد ببیند. اجازه دهید فرزند من بین انواع و اقسام فیلم‌ها از «سازدهنی» گرفته تا «پاتال و آرزوهای کوچک» آنچه را دوست دارد انتخاب کند و ببیند. اگر نمونه فیلم‌های شما، «مهاجر» و «دیده‌بان» است که این فیلم‌ها تماشاگر زیادی ندارد. *شهید آوینی: شما بیشتر در مورد نتایج صحبت من بحث می‌کنید، نه در مورد خودش. در صورتی‌که من نمی‌خواستم هیچ نتیجه عملی از بحث‌هایی که مطرح شد بگیرم. منظورم این نبود که مخالف ساخت آثار (در گونه‌های) مختلف و متفاوت هستم و اتفاقا معتقدم که همه باید فیلم بسازند. نمی‌گویم باید جلوی ساخت برخی فیلم‌ها را گرفت. مقصود من این است که سیاست‌گذاری کشور باید به سمت فیلم‌های خاصی برود و راه نجات سینما هم در همین جاست. برای این‌که شما بخواهید سینما را از بحران فعلی نجات دهید باید تماشاگر پیدا کنید. فیلم باید تماشاگر داشته باشد، اما الزاما هر فیلمی که تماشاگر داشت فیلم خوبی نیست. این یک حکم ثابت است. در مورد فیلم «دیده‌بان» و «مهاجر» و علت این‌که در چنین شرایطی خوب دیده نمی‌شوند هم وجود همین فضایی است که بر سینما حاکم است.**

برای دیدن این ویدئو کد روبه‌رو را اسکن کنید

سکانس ماندگار

به بهانه ۶ مرداد سالروز درگذشت سیف‌ا... داد

کانی‌مانگا جای دشمن نیست

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

اگر از فیلم مهجور و کمتر دیده شده و حالا دیگر ناپیدای «زیر باران» محصول سال ۶۳ بگذریم، دو فیلم دیگری که سیف‌ا... داد در سال‌های ۶۶ و ۷۳ ساخت، از مهم‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران هستند؛ اولی فیلم جنگی «کانی‌مانگا» که یکی از بهترین و جذاب‌ترین فیلم‌های مربوط به جنگ ایران و عراق بود و با التهاب و ماجراجویی‌های قصه و اکشن و هیجانی که داشت تا مدت‌ها و حتی چند سال در تهران و شهرستان‌ها روی پرده سینماها بود و به دلیل استقبال همیشه بالای تماشاگران و فروش خیلی خوب در گیشه، رکورد طولانی‌ترین اکران در تاریخ سینمای ایران را از آن خود کرد. دومی فیلم «بازمانده» که هنوز هم از آن به‌عنوان بهترین فیلم سینمای ایران با موضوع مظلومیت فلسطین و جریان مقاومت دربرابر جنایات رژیم صهیونیستی نام می‌برند. این‌که دو فیلم از سه فیلم یک کارگردان، هرکدام به نحوی و در فضای متفاوتی سری در سرها داشته باشند، هم به هنر و هوش و توانایی او برمی‌گردد و هم به خوش‌اقبالی‌اش. البته این مورد دوم هم ماحصل ویژگی‌های اول است و اگر درک و درایت و مهارتش در فیلمسازی نبود، این دو اثر ویژه‌اش هم با استقبال مخاطبان مواجه نمی‌شد. موفقیت کانی‌مانگا از همان اسم فیلم شروع و خاص بودن و خوش‌آهنگی این کلمه - که اسم منطقه‌ای در کردستان است- حتی قبل از مواجهه با خود قصه هم، باعث کنجکاوی و جلب نظر تماشاگران می‌شود. به جز این قصه و فضای اکشن فیلم

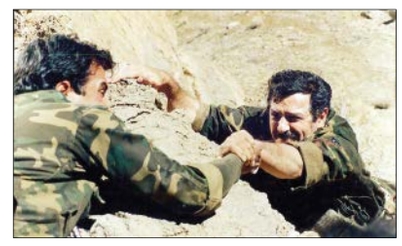

هم توقعات مخاطبان را برآورده می‌کند و رشادت‌های تکاوران و نیروی هوایی ارتش در دوران دفاع‌مقدس به شکل جذابی به تصویر کشیده می‌شود. سیف‌ا... داد که فیلمنامه را براساس فیلمنامه کانی‌مانگا به قلم احمدرضا درویش نوشته بود، توانایی‌اش را در نوشتن و ایجاد موقعیت‌هایی مهیج و نفسگیر و بعد هم در اجرا و کارگردانی آن نشان می‌دهد و مخاطب را تا نقطه پایانی در تب و تاب نگه می‌دارد. کانی‌مانگا با یک ترکیب بازیگری خوب چون فرامرز قریبیان، عبدالرضا اکبری، علی ثابت، رضا رویگری، رضا صفایی‌پور و کاظم افرندنیا، فیلمبرداری جمشید الوندی و موسیقی مجید انتظامی، پر از صحنه‌ها و سکانس‌های مهیج است. قطعا اوج تعلیق و هیجان فیلم در سکانس پایانی است، همان‌جا که فرامرز قریبیان و عبدالرضا اکبری به عنوان تکاوران ارتش، موقع حمل علی ثابت - که نقش منفی فیلم را بازی می‌کند- در ارتفاعات کانی‌مانگا به مشکل برمی‌خورند و قریبیان پایش روی سنگی می‌لغزد و از صخره آویزان می‌شود. اکبری در حرکتی سریع، دست قریبیان را می‌گیرد تا مانع سقوط او از بلندی شود، اما شیطنت ثابت و پا گذاشتن روی دست اکبری، التهاب این لحظه را به اوج می‌رساند و نفس را در سینه تماشاگران آن سال‌ها حبس می‌کند. این تعلیق و هیجان البته که پایان خوشی دارد، چون به قول آن جمله مشهور در آنونس فیلم، «کانی‌مانگا جای دشمن نیست.»

برای دیدن این سکانس، کیوآرکد را اسکن کنید

دیالوگ ماندگار

یک اشکال بزرگ در کار دنیا

صفیه، با بازی سلما مصری و صدای زنده‌یاد رفعت هاشم‌پور، بخش مهمی از بار فیلم «بازمانده» اثر ماندگار سیف‌ا... داد را به دوش می‌کشد. او در سکانسی از فیلم، نگرانی‌اش را درباره تنها فرزند زنده‌اش ابراز می‌کند اما همسرش اعتقاد دارد نباید مصلحت شخصی را به مصلحت فلسطین ترجیح داد. اینجاست که صفیه با مهرمادری و زنانه، این دیالوگ‌ها را می‌گوید: «به‌نظر من یک اشکال بزرگ در کار دنیا هست؛ وقتی زن‌ها بچه رو در شکم خود بزرگ می‌کنن، وقتی با درد و رنج اون رو به دنیا میارن، شیر می‌دن و بزرگ می‌کنن، شما مردها فقط تماشا می‌کنین. از سر بیکاری، سیاست می‌بافین و تجارت می‌کنین. اگر این اشکال نبود، دنیا بدون شک بهشت می‌شد.»

درنگ

باز هم بی‌قانونی در سینمای ایران

فیلم‌های «جنگ جهانی سوم»، «شب، داخلی، دیوار» و «بی‌رویا» درحالی در جشنواره ونیز پذیرفته شده‌اند که صادر نشدن پروانه نمایش برای این آثار می‌تواند زمینه‌ساز تکرار حواشی «برادران لیلا» باشد. اگر به یاد داشته باشید، چندی پیش و در پی حضور غیرقانونی «برادران لیلا» در جشنواره کن و به‌دنبال آن جشنواره مونیخ، سازمان سینمایی از توقیف این فیلم به‌دلیل طی نکردن روال‌های قانونی و سرپیچی از مقررات داد. این روال، قانون الزام فیلم‌ها برای اخذ پروانه نمایش پیش از حضور در رویدادهای بین‌المللی بود. در این شرایط اعلام شده است فیلم سینمایی «شب، داخلی، دیوار» ساخته وحید جلیلوند در بخش مسابقه، «بی‌رویا» ساخته آرین وزیردفتری در بخش افق‌های ویژه و «جنگ جهانی سوم» به کارگردانی هومن سیدی در بخش افق‌های جشنواره ونیز به‌عنوان نمایندگان رسمی سینمای ایران حضور دارند. هر سه فیلم «جنگ جهانی سوم»، «شب، داخلی، دیوار» و «بی‌رویا» هم جمله آثاری هستند که هنوز پروانه نمایش دریافت نکرده‌اند./ جام‌جم

سینمای جهان

«اسکورسیزی» از اسکار جاماند

«قاتلان ماه کامل» فیلم جدید مارتین اسکورسیزی با بازی لئوناردو دی‌کاپریو و رابرت دنیرو سال آینده میلادی اکران خواهد شد. به این ترتیب فیلم قاتلان ماه کامل محصول کمپانی اپل برای رقابت در فصل جوایز سینمایی و اسکار امسال حاضر نخواهد بود. این فیلم براساس کتاب پرفروش و غیرداستانی نوشته دیوید گرن ساخته شده و داستان آن درباره مجموعه قتل‌هایی است که در دهه ۱۹۲۰ میلادی در اوکلاهاما روی می‌دهد؛ زمانی که سرخپوستان منطقه اوسیج در زیرزمین‌های خود نفت کشف کردند و سپس تک به تک کشته شدند و با افزایش آمار قتل‌ها، سازمان تازه‌تاسیس اف‌بی‌آی پرونده را در دست گرفت و یکی از هولناک‌ترین جنایت‌های سازمان‌یافته تاریخ آمریکا افشا شد. در این فیلم لئوناردو دی‌کاپریو در نقش ارنست برکهات بازی می‌کند که خواهرزاده یک دامدار قدرتمند به نام ویلیام هیل با نقش آفرینی رابرت دنیرو است. اریک راث، نویسنده برنده اسکار فیلم‌های «فارست گامپ» و «مورد عجیب بنجامین باتن» پیشتر درباره این فیلم گفته بود: اسکورسیزی قصد دارد فیلمی بسازد که احتمالا آخرین وسترنی باشد که با این سبک و سیاق ساخته می‌شود و این فیلم شبیه هیچ‌یک از فیلم‌هایی نیست که تاکنون دیده‌ایم./ ورایتی